



۲۰۱۶/۰۲/۱۰

ملالی موسی نظام

## فاجعه خونین افشار هر گز فراموش نمی شود درود بر روان پاک هموطنان مظلوم ما که قربانی جنایات بشری گردیدند



عکسی از ویرانه های افشار بعد از حملات و آتشباری از بالای کوه تلویزیون فروری ۱۹۹۳

افشار داغی است در قلب تاریخ، افشار فریادی است برای همه نسل ها، افشار زخمی است بر پیکر انسانیت، افشار افشاء گری عریانی است از اعمال تنگین انسان نماهای به ظاهر مسلمان که ادعای مسلمانی می کردند. یاد شهدای افشار را گرامی داشته و برای آن شهیدان علو درجات خواهانیم - گرفته از سایت هزاره.

در زمره جنگ های داخلی خانمان سوز سال های ۱۹۹۲ - ۱۹۹۶ میلادی شهر کابل پایتخت افغانستان، فاجعه خونین «قتل عام افشار» که در پهلوی جنایات وسیع، گوناگون و غیر قابل باور بشری بر اهالی مظلوم و بی دفاع آن، بیشتر از ۴۰۰۰ در دو شب قربانی رفت، ثبت تاریخ وقایع مهم تراژدی جهان می باشد.

امروز هم دهم ماه فروری مطابق به ۲۱ دلو است که در حقیقت سالگرد تراژدی انسانی «قتل عام افشار» این رویداد خونین و عظیم بشری حیات یک کتله بی گناه و مظلوم در داخل خاک پاک افغانستان عزیز است که در

حقیقت مظلالم افغان را بر افغان که هر دو گروه حق حیات شرافتمندانه را در سرزمین خویش داشته اند، به حالت رقت باری تمثیل می نماید.

بعد از شکست خفت بار اتحاد شوروی سابق با پامال ارزش های جهادی که با ریختن خون ملیون ها افغان وطن پرست و سر سپرده افغانستان حاصل گردید، با هجوم تنظیم های تربیت یافته پاکستان، شوروی و ایران برای تصرف پایتخت و بدست آوردن هر چه بیشتر قدرت به هر قیمتی و با هر طرز العملی، در سال ۱۹۹۲ طوریکه به همگان معلوم است، شهر کابل با شدت عمل گروه های مذکور به قسمت های گوناگون تقسیم شد. درین اشغال پایتخت افغانستان عملاً به میدان جنگ های خانما نسوز و خونینی بین طرفین متخاصم و با نقض کامل حقوق اتباع و شهریان، قهراً مبدل گردید.

آنچه را هر یک از آن دد منشان بر مردم نهایت بی دفاع و مظلوم این شهر وارد نمودند، قلم از نوشتنش قاصر میباشد، از راکت پرانی های کور «مسعود - گلبدین» تا فجایعی که بالای زنان شریف و نهایت مظلوم افغان از طرف جانبین وارد آمد، هر یک جنایتی بود، شنیع، بی دریغ، ابتکاری و استخوان سوز. درین دوره خونین و آتش زاء، برهان الدین ربانی بر اریکه قدرت در ارگ کابل بر آورده شدن آرزوی خویش را برای زعامت پوشالی «افغانستان ویران» جشن گرفته و شاهد و ناظر هزاران هموطن خرد و بزرگی بود که به هر سوی این دیار ویران، با فجایع گوناگون در خاک و خون می غلطیدند.

در چنین یک مسابقه نا هنجار غیر انسانی قدرت طلبی، گروه های تنظیمی گاهی به یکی می پیوستند و روز دیگری با آن دشمن گردیده و منطقه و ماحول آنرا به راکت و گلوله می بستند. جوی خونی که در هر طرف پایتخت روان بود و از آبدات تاریخی، منجمله قصر با شکوه دارالامان یادگار استقلال و شگوفایی افغانستان، تا خانه و کاشانه ای که زیر فیر راکت و مرمی بر ساکنان سیه روز بی وسیله ویران میگردد، با حریق، خون و خاکستر، بیشترین کشتار بیگناهان و غیر نظامیان را ترسیم مینمود. نظر به راپور های مستند و موجود مؤسسات معتبری مانند «کمیته نظارت بر حقوق بشر» ملل متحد و «کمیته عفو بین المللی» که خبر نگاران شان در چنان شرائطی ناظر و شاهد احوال بودند، بیشترین کشتار زیاد از ۶۵ هزار اهالی پایتخت، در سال اول هجوم تنظیم های دد منش تشنه قدرت که آتش از زمین و آسمان بر اهالی میریخت، از اپریل ۱۹۹۲ تا مارچ ۱۹۹۳ صورت گرفت که مطبوعات آن تشکیلات رسمی معتمد و اسناد معتبر دست داشته و منتشر شده شان از راپور های تلخ و غیر قابل باوری مملو است.

هموطنان ما باور دارند که در بیان هر ورق تاریخ این خطه پاک، هدف و مرام جستجوی حقیقت، افشاء گری برای نسل امروز و فردا و اصلاح اشتباهات تاریخی و بیان واقعیت هاست، نه مرام تفرقه اندازی و نفاق و شقاق بین اقوام شریف افغانستان که میراث کثیف و رواج گروه های وطن فروش خلق و پرچم و تنظیم های تشنه قدرت جهادی بوده است. بنا بر آن در بیان حوادث جنگ های کابل و «فاجعه خونین افشار» هم گروه های متخاصمی که چنین جنایت بشری را بر هموطنان بیگناه و مظلوم تعمیم نمودند، هر گز از قوم و تبار خویش نمایندگی نمی نمایند. یاد آوری از چنین حوادث خونینی به حکم تاریخ، در حقیقت افشاء یک رویداد و جریان تاریخی کشور است و فراموش نمی گردد که البته در عصر زعامت ناکام و از هم گسیخته برهان الدین ربانی و رول فعال وی رو نماگردید و جای پای سیاهی در صفحات تاریخ برای او و هم کیشانش، البته که نقش بست.

درین مختصر به مناسبت سالگرد یکی از فجایع غیر انسانی و در حقیقت جنایت به مقابل بشریت در آن دوره خون و آتش که فاجعه «قتل عام افشار» باشد، سطوری بیان می‌داریم طوریکه پلان گذاری دقیق و نقشه منظم آن تنظیمات به نحو تعمیم سبب‌عانه و محیر العقول آن، از همان آغاز با خصایص علنی آن جزئی از جنایات قابل ذکر انسانی در جهان، ثبت تاریخ گردیده است.

درین داستان خون، آتش و مظالم بشری استخوان سوز، احمد شاه مسعود که وزیر دفاع دولت ناکام و مشتت برهان الدین ربانی بود، به همدستی رسول سیاف ظاهراً به بهانه اینکه حزب وحدت وابسته به ایران نشاید که به گلبدین حکمتیار اتحاد نموده و قوتی را به مقابل آنها برای اداره افغانستان غرقه بخون، تشکیل دهند، پلان تخریب و حریق شهرهایی را که حزب وحدت در کنترل داشتند، طرح نمودند. این نقشه سبب‌عانه و ضد بشری گویا در منزلی در کارته پروان با اجتماع مغزهای متفکر مخربی که قتل و تباهی هزاران بیگناه افغان را در یک حمله آتشین در بر میگرفت، به رهنمایی احمد شاه مسعود طرح گردید.

در دو شب و روز ۱۰-۱۱ فروری مطابق به ۲۱-۲۲ دلو سال ۱۹۹۳ - ۱۳۷۱ که سردی استخوان سوز زمستان بیداد می‌نمود، مسعود و قوای عسکری وی با بردن توپ خانه بالای کوه آسمایی - کوه تلویزیون، در حوالی شب بر اهالی در حال خواب که در خود کوه مذکور هم منزل داشتند بر شهرهای پایین از قبیل افشار، جمال مینه، سیلو و مناطق وابسته به آنها، آتش کشوندند و در همان یکشب هزاران پیر و جوان و طفل، زن و مرد در خاک و خون طپیدند و سرپناهان شان به گلوله های توپ و راکت مشتعل گردیده و بالای اهالی بی پناه فرو ریخت و شهر به یک ویرانه مدهش تبدیل گردید.

در ختم روز دوم که خاموشی مرگ همه جا را استیلا نمود، عسکر با اجازه وزیر دفاع، داخل خانه های ویران گردیده و بزرگترین فجایع و جنایاتی را که قلم از ذکر آن عار دارد در حق مردم شریف هزاره ما که در آن ویرانه ها هنوز زنده و یا نیم جان بودند، مرتکب گردیدند. چنین مظالم آشکارای تاریخ را نه مردم شریف افغانستان از یاد میبرند و نه جانین خطا کار آنرا هرگز فراموش می نمایند.

البته که عاملین این فاجعه و تراژدی انسانی که چنین اعمال شومی را صرف برای احراز بیشتر قدرت و منصب مرتکب گردیدند، بدون تردید بر همه مقرره های حقوق بشر، کرامت انسانی، علایق هم وطنی و بالاخره ترحم انسانی پا گذاشته و مرتکب جنایاتی شده اند که نه تنها مردم افغانستان، بلکه عالم بشریت هم که چون چنین رویداد تلخ تاریخی یک ملت، ثبت مطبوعات جهانی می باشد، فراموش نمی نمایند.

قتل عام افشار مصیبتی بود که باید منحصیث یک عزای ملی، همه مردم افغانستان از آن سوگوار باشند. این روی داد خونین و استخوان سوز تنها ماتم اقلیت شریف هزاره ما نبوده بلکه فاجعه بزرگی تلقی می شود که در شهر کابل و بر قسمتی از مردم بی دفاع ما قهراً در نیمه شب زمستان سرد ترین ماه سال، تعمیم گردیده است.... بلی در نیمه شب ۲۱ دلو زمانیکه اهالی بیخبر در خواب بودند، دنیای شان به سرب مزایب مبدل گشت و باشندگان چندین شهر غرب پایتخت، سرسام و بی گناه مورد حملات آتشبار و تجاوزات ددمنشانه بر زن و مرد و بالاخره کشتار های دسته جمعی و نسل کشی «جینو ساید» قرار گرفتند. منازل افشار که تا حد نهایی تخریب و سوخته بودند، دیگر جای بود و باش در آن ممکن نبود و اهالی مظلوم آن با از دست دادن عزیزان، تحمل درد های ناگوار جسمی و روانی، تا سال ۲۰۰۵ دوباره به آن ویرانه سرا ی غم انگیز نگشتند.

با موجودیت و رجوع محکمه بین المللی جنایات بشری یا I. C. C. که از تاریخ ۱۷ دسمبر سال ۲۰۱۵ رسماً قضایای جنایی افغانستان را که نظر به مواد مندرجه و فهرست نوعیت جرائم انسانی ضد بشری که ثبت و تعیین گردیده است، در نظر دارد که با شرائطی تحت بررسی و تحقیق قرار دهد، امیدواری ای برای مردم مظلوم و محنت کشیده افغانستان میسر می گردد که بالاخره روزی عدالت انتقالی در حیات اجتماعی آنها هم داخل گردد. با وجود راه طولانی ای که در تحقیق و بازخواست قضایای جرمی علیه بشریت و عدم همکاری دولت افغانستان درین زمینه موجود است، همین که روزنه ای برای عدالت خواهی از بیرون کشور، میسر گردد، شاید بتواند زیر بنایی برای عدالت خواهی از جانب مردم افغانستان گردد.

در راپور پروژه عدالت افغانستان که در آغاز کار حامد کرزی توسط کمیته حقوق دانان در مورد نقض حقوق بشر و هزاران جنایت علیه بشریت به سعی و کوشش حکومت هالند و مصاحبه با ۶۰۰۰ از ملت رنجور در سر تاسر افغانستان صورت گرفت، رویداد های مظالم بشری را از آغاز کودتای منحوس ثور تا شکست دوره طالبان، منجمله تراژیدی «قتل عام افشار» تحقیق و معلومات میداد. این راپور نهایت عالی و مستند که از وبسایت آن به السنه انگلیسی، دری و پشتو در دسترس است، میتواند منحصراً منبع مهمی برای مطالعات محکمه بین المللی جنایات بشری I. C. C. بکار گرفته شود. البته این محکمه بر راپور های مستند «کمیته نظارت بر حقوق بشر» ملل متحد که خبر نگاران آن مستقیماً ناظر جنگ های کابل بوده اند هم می توانند، استدلال و استناد نماید، یکی از مهمترین راپور های آن تحت عنوان «دستان آلوده به خون» ثبت است که ترجمه پشتوی آن توسط دانشمند افغان محترم «رحمت آریا» به پشتو ترجمه گردیده است. در پایان با یاد آوری هزاران هموطن مظلومی که در فاجعه ضد بشری «قتل عام افشار» یا خموشانه به شهادت رسیدند و یا عزیزان شان را از دست دادند، دردمندانه تهنیت و درود می فرستیم.

پایان